

۲
گفتارتفاهم را فعال کنیم
محسن هاشمی۶
توسعهمیراث یک قانون
به یاد ایرج توتونچیان۷
کوچهاهمیت مریم
میرزاخانی روی جلد کتاب ریاضی در ایتالیا

دیدگاه

سند فساد کجاست؟

درباره کارنامه توسعه گرایی و کارآفرینی

سیدحسین مرعشی



یادداشت روز

پزشکیان دنبال چه کسی است؟

مشکل کشور کمبود نیروی اجرایی نیست
انتخاب‌های اشتباه است

سیدمصطفی هاشمی‌طبا

عضو شورای عالی مشورتی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

پیشنهاد مسعود پزشکیان به سعید جلیلی برای اینکه به میدان بیاید و «کاری انجام بدهد» حرفی غیرقابل باور است. به‌نظر می‌رسد آقای پزشکیان، جلیلی را هم اشتباه گرفته است. جلیلی تا امروز یک کار اجرایی جدی انجام نداده و کارنامه‌ای در اداره یک مجموعه یا اجرای یک سیاست ندارد؛ با این حال، رئیس‌جمهور از او می‌خواهد برای حل مشکلات اجرایی کشور وارد میدان شود. این تناقض را چطور می‌توان توضیح داد؟ جلیلی یک‌سری نظریات متوهمانه دارد و نمی‌توان از کنار این واقعیت گذشت که برخی نگاه‌ها و مواضع او برای کشور هزینه‌های سنگینی داشته است. پرونده کرسنت و خسارت‌های چند دهمیلیارد دلاری که کشور از تبعات آن متحمل شده یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این ماجراست. جای تعجب هم ندارد؛ چون مشکل فقط پیشنهاد جلیلی نیست، مشکل به انتخاب‌های خود آقای پزشکیان هم برمی‌گردد. دولت در مواردی آدم‌هایی را برای مسئولیت‌های مهم گذاشته که سابقه اجرایی مرتبطی نداشته‌اند. نمونه روشن آن، مسئله بهینه‌سازی انرژی است؛ یک موضوع بسیار مهم و تخصصی که فردی برای آن گذاشته شده که عملاً از صفر وارد این حوزه شده و بعد هم با اظهارنظرهایش به مردم توهین می‌کند و حرف‌هایی می‌زند که تناسبی با واقعیات کشور ندارد. این درحالی است که ما در کشور نیروی کارآمد، مدیر کارآزموده و آدم متخصص کم نداریم. من در طول سال‌هایی که مسئولیت داشته‌ام با نیروهای بسیار قوی و کاردانی مواجه شده‌ام. در همین حوزه بهینه‌سازی هم افرادی هستند که سال‌ها در این حوزه کار کرده‌اند و دقیقاً می‌دانند، مسئله چیست و چطور باید آن را حل کرد. پس اینکه انتخاب‌ها اشتباه است به این معنا نیست که کشور آدم اجرایی ندارد. ماجرای بنزین هم نمونه دیگری از این وضعیت است؛ کشور با کمبود بنزین مواجه بود اما بحران بنزین نداشتیم. این کمبود به‌راحتی قابل مدیریت و تحمل بود. اما ببینید چه حرف‌هایی زده شد، چه تصمیم‌هایی گرفته شد و چطور یک مسئله قابل مدیریت با تصمیم‌های سلیقه‌ای تبدیل به بحران شد. بنابراین، این ادعا که ما در کشور افراد کاربلد یا نیرویی که بتواند اجرا کند، نداریم اصلاً درست نیست. مسئله این است که دنبال آدمی می‌گردیم که اصلاً از اجرا بویی نبرده، یک سنگ روی سنگ نگذاشته و تجربه‌ای در کار اجرایی ندارد. بعد هم انتظار داریم، مشکلات کشور را حل کند. به‌نظر می‌رسد، آقای پزشکیان یا مشاوران خوبی ندارد یا آنقدر تحت‌فشار است که بعضی مفاهیم را با مفاهیم دیگر عوض می‌کند. کسانی که دلسوزانه می‌خواهند، کمک کنند و نظر بدهند از دولت دور می‌شوند و بعد نتیجه‌اش می‌شود اینکه برای حل مشکلات اجرایی کشور سراغ چنین انتخاب‌هایی برویم. مسئله حتی با عنوان «وفاق» هم قابل‌توجیه نیست. اگر قرار است از ظرفیت نیروهای مختلف استفاده شود بسیار خوب؛ اما آدمی که انتخاب می‌شود باید توانمند باشد و کارش را بلد باشد. نمی‌شود به اسم وفاق، آدمی را برای یک مسئولیت مهم گذاشت که هیچ تناسبی با آن مسئولیت ندارد. البته بعید می‌دانم خود آقای جلیلی هم زیر بار چنین پیشنهادی برود. او بهتر از هر کسی می‌داند چه کاری از عهده‌اش برمی‌آید و چه کاری نه. کسی که در گذشته، ایده‌هایی مثل راه‌اندازی خیاطی در روستاها و تولید لباس را مطرح کرده که فاصله زیادی با واقعیت‌های اقتصاد و اداره کشور دارد، چطور می‌تواند برای حل مسائل پیچیده اجرایی کشور نسخه پپیچد؟ نمونه‌های دیگری هم داشته‌ایم. مدیری به آقای رئیسی وعده‌هایی داده که هیچ‌کدام عملی نشده اما بعد دوباره برای یک کار دیگر انتخاب شده است. خب اگر آدم خوبی بود، چرا برای همان کار قبلی نگاهش نداشتند؟ و اگر خوب نبود، چرا دوباره مسئولیت دیگری به او دادند؟ این تناقض‌ها کم نیست و زیاد گفته‌ایم و نوشته‌ایم اما متأسفانه گوش شنوایی وجود ندارد.

طی نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور مطرح شد:

اعتراضی به دخالت‌های ساترا

هیأت‌مدیره انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور،

نگرانی‌های خود را نسبت به فشار صداوسیما و ساترا بر شبکه نمایش خانگی ابراز

و با تأکید بر اینکه رقیب، اکنون به داور تبدیل شده است

از پزشکیان خواستند تا به داد آنها برسد



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

نمایش خانگی وارد کند. جالب آنکه ساترا در اقدامی عجیب در حال تصرف اختیارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اکنون به‌نظر می‌رسد، صداوسیما می‌خواهد این آخرین سنگر که مردم به آن توجه دارند را بی‌اثر کند. اکنون تنها چند روز بعد از توقیف دو برنامه از پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی توسط ساترا، نامه‌ای از سوی انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئوی برخط به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران نوشته و منتشر شد. نامه‌ای که طی آن از رئیس شورای عالی فرهنگی در برابر آنچه وضعیت نابه‌سامان تنظیم‌گری خوانده‌اند، درخواست کمک کرده‌اند.

چالشی به‌نام ساترا
سایه ساترا یا سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر طی سال‌های اخیر با کسب قدرت بیشتر و گسترش حوزه اختیارات، روی بازار و کسب‌وکار پلتفرم‌های نمایش خانگی آنلاین سنگینی می‌کند. ساترا در آخرین اقدام خود دو برنامه «شفرونی» و «روشن» را که از پلتفرم فیلمو در حال پخش بودند، توقیف کرد. ساترا بعداً از طرق غیررسمی اعلام کرد که توقیف این برنامه‌ها به‌دلیل عدم دریافت مجوز از سوی سازندگان بوده، درحالی که فصل اول شفرونی به‌طور کامل پخش شده و فصل دوم آن توقیف شد. ضمن اینکه دست‌اندرکاران هر دو برنامه اعلام کردند که مجوزهای لازم

آمار سریال‌ها، رنالیته‌ها و برنامه‌هایی که با فشار و شکایت ساترا یا صداوسیما توقیف شده یا از نمایش بازماندند، دیگر عدد کمی نیست و بسیار قابل‌توجه شده است و روزی‌به‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. صداوسیما که در رقابت با شبکه خانگی میدان را واگذار کرده و اکثریت مردم برنامه‌های مختلف آن را نمی‌بینند این روزها تلاش می‌کند به‌نام تنظیم‌گری و با اهرمی به‌نام ساترا، فشار بی‌امانی به شبکه

ادامه در صفحه ۴

گفتار

تفاهم را فعال کنیم

محسن هاشمی: در جنگ تحمیلی شعارهای بسیار تند باعث شد جنگ بیش از اندازه طول بکشد



گروه سیاسی: محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، با اشاره به تفاهم‌نامه ۱۴ بندی ایران و آمریکا بر ضرورت فعال شدن دوباره آن و حل اختلافات از مسیر مذاکره تأکید کرد. او در گفت‌وگو با آوش، این تفاهم‌نامه را «دست‌آورد بسیار خوب مقاومت ایران» دانست و گفت که اکنون تقریباً اکثر مسئولان نگاه مثبتی به آن دارند؛ بـا این حال، یک سوء تفاهم درباره قصد آمریکا برای اجرای توافق، بار دیگر اجرای آن را با تردید مواجه کرده است؛ اینکه آمریکا از ابتدا قصد اجرای تفاهم‌نامه را نداشته است.

او با اشاره به حوادثی که همزمان با تشییع پیکر رهبر شهید رخ داد، افزود: «هنگام تشییع پیکر رهبر شهید نیز مجدداً برای اینکه به آمریکا ثابت شود باید تفاهم‌نامه دقیقاً همان‌گونه که تنظیم شده اجرا شود، اتفاقی در خلیج فارس رخ داد و چند کشتی مورد حمله قرار گرفتند و در نتیجه تفاهم‌نامه زیر سوال رفت و از آن به‌بعد وارد فاز جدیدی شدیم. اکنون به‌نظر می‌رسد همه دست‌اندرکاران، جای دیپلماسی را در این جنگ خالی می‌بینند و علاقه‌مند هستند که مجدداً این موضوع فعال شود و بتوانند همان تفاهم‌نامه را اجرایی کنند».

هاشمی با اشاره به فشارهای داخلی آمریکا بر ترامپ پس از امضای تفاهم‌نامه گفت: «ترامپ در زمان امضای تفاهم‌نامه با هجمه بسیار جدی در داخل آمریکا مواجه شد و از سوی دموکرات‌ها و اکثر مخالفانش مورد انتقاد قرار گرفت؛ به دلیل اینکه معتقد بودند، او به‌نفع ایران عمل کرده است. بنابراین ترامپ تا حدودی دچار تردید شد که مجدداً همین تفاهم‌نامه را اجرا کند. به‌نظر می‌رسد، او به‌دنبال این است که یکی دو بند از این تفاهم‌نامه را تغییر دهد و مواردی را به‌نفع خودش به آن اضافه کند یا مجدداً مسئله هسته‌ای را به‌عنوان اولویت اول وارد تفاهم‌نامه کند».

او تأکید کرد: «در حال حاضر وظیفه دیپلمات‌های کشور این است که این تفاهم‌نامه را مجدداً فعال کنند اما با سوء تفاهمات دوباره به جنگ نپردازند بلکه با تلاش از طریق مذاکرات، این سوء تفاهمات را برطرف کنند». رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی برای توضیح ضرورت این رویکرد به تجربه جنگ ایران و عراق اشاره کرد: «جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز به همین دلیل آغاز شد. آنها با فرض ضعف ایران با چراغ سبز استکبار و کمک ارتجاع منطقه به ایران حمله کردند. آن زمان استکبار شامل هر دو طرف شرق و غرب بود، آنها تصور می‌کردند ایران ضعیف شده است، خوزستان را از ایران جدا می‌کنند و با جدا شدن خوزستان، ایران به سمت سقوط می‌رود و حکومت جمهوری اسلامی سقوط می‌کند اما دفاع جانانه‌ای که آن زمان صورت گرفت، باعث شد این اتفاق رخ ندهد».

وی همچنین در توضیح ضرورت دیپلماسی افزود: «با این حال چون دیپلماسی تا حدودی در محاق بود و جدی گرفته نمی‌شد و شعارهای بسیار تندی نیز در آن زمان مطرح می‌شد؛ از جمله شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» اینها باعث شده بود که احساسات بر جنگ غلبه کند و در نتیجه، جنگ بیش از اندازه‌ای که لازم بود، طول کشید اما خوشبختانه امام خمینی (ره) تصمیم قاطعی گرفتند و قطعنامه را پذیرفتند و کشور به سمت بازسازی حرکت کرد و نتایج مثبتی نیز به همراه داشت».

هاشمی معتقد است: «الان هم باید تفاهم‌نامه را پایه قرار دهیم تا در مذاکرات بتوانیم، امتیازات بیشتری بگیریم. به‌نظر می‌رسد اگر این مسیر را طی کنیم، هم از جنگ پرهیز و هم استهلاک کشور را جبران کردیم و هم بر مردم فشار وارد نمی‌شود. علاوه بر این با توجه به وضعیت بدی که اکنون ترامپ دارد، می‌توانیم در مذاکره امتیازات بیشتری بگیریم. اگر نسبت به این موضوع حساس نباشیم ممکن است دوباره فرصت‌ها را از دست بدهیم. اکنون که همه بر ضرورت مذاکره تأکید کرده‌اند باید دیپلماسی با جدیت بیشتری وارد معرکه شود». رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در پاسخ به این پرسش که آیا در حاکمیت اجماعی با رویکرد مثبت درباره مذاکره با آمریکا شکل گرفته است، گفت: «بله، به نظر من حتی از زمان آقای شهید این تصمیم گرفته شده بود که الان هم باید ادامه پیدا کند».

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

زیر فشار

اختلاف مجلس و وزیر اقتصاد بر سر ارز، تورم و سیاستگذاری اقتصادی



عاطفه شمس

گروه سیاسی

ماجرای استیضاح وزیر اقتصاد هنوز به صحن مجلس نرسیده اما فشارها بر سیدعلی مدنی‌زاده هر روز بیشتر می‌شود. ۴۷ نماینده پای طرح استیضاح را امضا کرده‌اند و انتقادات از او هر روز شکل تازه‌ای پیدا می‌کند؛ از گلابه درباره گرانی و فشار اقتصادی بر مردم تا حمله به سیاست‌های ارزی وزارتخانه. در تازه‌ترین مورد حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، سیاست تشویق مردم به سرمایه‌گذاری ارزی را هدف گرفته و خطاب به وزیر اقتصاد نوشته است: «امضای جناب‌عالی و رئیس‌کل بانک مرکزی روی اسکناس برای یادگاری نیست، شما متعهد به حفظ ارزش پول ملی هستید!» صمصامی در ادامه تأکید کرده است: «ارزش پول ملی با سیاستگذاری صحیح حفظ می‌شود، نه با تشویق مردم به خرید سکه و اوراق ارزی!» او این سیاست‌ها را به‌معنای «رسمیت بخشیدن به نرخ بازار آزاد قاچاق و تضعیف ریال» دانسته است.

مجلس علیه سیاست‌های اقتصادی مدنی‌زاده

این اظهارات درحالی مطرح شده که همزمان خبر جمع شدن ۴۷ امضا برای استیضاح وزیر اقتصاد منتشر شده است؛ طرحی که هنوز به صحن مجلس نرسیده اما انتقادات از عملکرد مدنی‌زاده را در روزهای اخیر بیشتر کرده است. این انتقادات از چند زاویه مطرح شده: از تورم و افزایش نرخ ارز و فشار معیشتی گرفته تا نحوه سیاستگذاری اقتصادی وزارتخانه. در مقابل، مدنی‌زاده در اظهارات اخیر خود از برنامه‌های دولت برای کنترل تورم، حفظ اشتغال، تأمین کالاهای اساسی و مدیریت فشارهای ناشی از تحریم‌ها گفته اما روندی که در مجلس در جریان است، نشان می‌دهد که نمایندگان از توضیحات او قانع نشده‌اند.

مصطفی پوردهقان، نماینده اردکان در مجلس درباره جدی بودن استیضاح به «دنیای اقتصاد» گفته است: «موضوع استیضاح محکم است. ما بارها تذکر داده‌ایم؛ اما متأسفانه رفتارهای ایشان ادامه یافته است». او رویکرد مدنی‌زاده را بیشتر «تئوریک» تا اجرایی توصیف کرده و گفته، بازگشت وزیر اقتصاد به فضای دانشگاهی می‌تواند گزینه بهتری باشد. انتقادات اما فقط به طراحان استیضاح محدود نیست. علیرضا زندیان، نماینده بیجار و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، اگرچه هنوز پای طرح استیضاح را امضا نکرده اما درباره عملکرد وزارت اقتصاد انتقادهایی جدی دارد. او مسئله اصلی را «معیشت مردم، تورم، افزایش نرخ ارز و کاهش

پارلمان

از مطالبه تندروها تا ابهام در مجلس

طرح خروج از NPT چقدر جدی است؟

گروه سیاسی: «مجمع نمایندگان ملت مبعوث» مجلس شورای اسلامی در حالی خواستار فعال شدن روند قانونی خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شده که دو عضو کمیسیون امنیت ملی می‌گویند هنوز طرحی در این باره به کمیسیون نرسیده است.

جمعی از نمایندگان جریان تندرو که در قالب «مجمع نمایندگان ملت مبعوث» فعالیت می‌کنند، روز گذشته طی بیانیه‌ای خواستار آن شدند که هیأت‌رئیس مجلس، روند قانونی خروج ایران از NPT را فعال کند. اعضای این مجمع در بیانیه خود، تهدیدها و حملات اخیر علیه تأسیسات هسته‌ای، ترور دانشمندان، تحریم‌ها و عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مجموعه‌ای از دلایلی دانسته‌اند که به گفته آنها ضرورت بازنگری در عضویت ایران در این پیمان را ایجاد کرده است. استدلال اصلی این جریان این است که عضویت ایران در NPT برخلاف حقوقی که در این پیمان برای اعضا پیش‌بینی شده، توانسته امنیت تأسیسات هسته‌ای و دسترسی ایران به فناوری صلح‌آمیز را تضمین کند. آنها همچنین مدعی شده‌اند که بازرسی‌های آژانس در مواردی از کارکرد نظارتی فاصله گرفته و به ابزاری برای فشار

ارزش پول ملی» می‌داند؛ مسائلی که به گفته او، مردم پیش از هر گزارش و آماری، آنها را در قیمت کالاها و هزینه‌های زندگی می‌بینند. زندیان در عین حال بر نقش وزارت اقتصاد در سیاستگذاری ارزی تأکید دارد و می‌گوید: «امروز وزیر اقتصاد نمی‌تواند بگوید که «آقا، من در بحث ارز نمی‌توانم نظر بدهم». اگر چنین است، اسم وزارت اقتصاد را تغییر دهید». به گفته او وزارت اقتصاد باید در حوزه ارز، بازار سرمایه و دیگر بخش‌های اقتصادی، سیاست روشن و برنامه مشخص داشته باشد.

او در ادامه، وقتی صحبت از قیمت و عملکرد دولت به میان می‌آید، تأکید می‌کند: «ما نمی‌توانیم بگوئیم قیمت در بازار چه باشد؛ قیمت با اعداد و ارقامی نیست که وزیر مربوطه اعلام می‌کند. قیمت در سفره مردم و در کف بازار و جامعه است».

وزیر اقتصاد چه می‌گوید؟

این انتقادات در شریطی مطرح می‌شود که مدنی‌زاده در هفته‌های گذشته بارها از زاویه دیگری به وضعیت اقتصاد



کشور پرداخته است؛ روایتی که در آن جنگ، تحریم، محدودیت‌های تجاری و فشار بر جریان‌های مالی، بخش مهمی از مشکلات اقتصادی را توضیح می‌دهند.

او دوم شهریور در یک گفت‌وگوی تلویزیونی گفته بود دولت از مدت‌ها قبل برای چنین شرایطی برنامه‌ریزی کرده و یک برنامه دوساله اقتصادی در دستور کار دارد. مدنی‌زاده در همان گفت‌وگو از «برنامه هفت‌محوری» دولت برای کنترل تورم، حفظ اشتغال، حمایت از معیشت، مدیریت کسری بودجه، رفع موانع تولید و بازسازی اقتصاد سخن گفته بود. وزیر اقتصاد در عین حال منکر فشار معیشتی نشده و گفته بود: «در اینکه کالاها گران شده و به مردم فشار وارد می‌آید و سفره معیشتی آنها کوچک‌تر شده، شکی نیست». او در ادامه تأکید کرده بود که هدف سیاست دولت، کنترل روند افزایش قیمت‌هاست، نه کاهش فوری قیمت‌ها.

مدنی‌زاده برای توضیح عملکرد وزارتخانه نیز به چند

سیاسی و حتی شناسایی زیرساخت‌های حساس ایران تبدیل شده است. این گروه برای درخواست خود به ماده ۱۰ NPT نیز استناد کرده است؛ ماده‌ای که در شرایطی که یک کشور تشخیص دهد حوادث فوق‌العاده، منافع عالی‌ه آن را به‌خطر انداخته، امکان کناره‌گیری از پیمان را با اطلاع قبلی سه ماهه پیش‌بینی می‌کند. «مجمع نمایندگان ملت مبعوث» با استناد به همین بند از هیأت‌رئیس مجلس خواسته، فرآیند قانونی خروج ایران از NPT را «در سریع‌ترین زمان ممکن» فعال کند.

این درحالی است که اسماعیل کوثری و وحید احمدی، دو عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، طی دو روز گذشته در گفت‌وگو با «تابناک» اعلام کردند که چیزی در این رابطه به کمیسیون اعلام نشده است. کوثری گفت چنین موضوعی تاکنون به گوش او نرسیده و اگر قرار باشد، اقدامی در این زمینه انجام شود باید در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بررسی شود. احمدی نیز تأکید کرد که تا آن زمان، موضوعی درباره خروج از NPT به کمیسیون ارائه نشده است.

در این میان، مواضع برخی اعضای هیأت‌رئیس مجلس نشان

شاخص اشاره کرده بود؛ از کاهش ماندگاری کالا در گمرکات از ۱۰ ماه به ۸ روز و تحقق بیش از ۹۰ درصد تعهدات مالیاتی تا اختصاص حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات سرمایه در گردش. به گفته او، این تسهیلات به جلوگیری از بیکاری حدود ۶۰۰ هزار نفر کمک کرده است.

با این حال در میان مجموعه این مسائل، ارز همچنان یکی از محورهای اصلی انتقادات است؛ مدنی‌زاده پیش‌تر گفته بود دولت برای دهک‌های بالاتر و صاحبان پس‌انداز، ابزارهایی طراحی کرده تا بخشی از منابع آنها به‌جای ورود به بازار طلا و ارز به سمت تولید و اقتصاد هدایت شود. یکی از این ابزارها «صندوق ارزی» بود که به گفته او امکان سرمایه‌گذاری با بازدهی ارزی را فراهم می‌کند. وزیر اقتصاد همچنین از «اوراق گواهی نفت» به‌عنوان یکی دیگر از مسیرهای سرمایه‌گذاری مردم نام برده بود. حالا همین رویکرد ارزی با انتقاد صمصامی مواجه شده است. او در واکنش به این سیاست خطاب به وزیر اقتصاد نوشته است: «ارزش پول ملی با سیاستگذاری صحیح حفظ می‌شود، نه با تشویق مردم به خرید سکه و اوراق ارزی!»

تحریم‌شکنی زیر سایه استیضاح

مدنی‌زاده همچنین شنبه ۲۱ شهریور، یک روز پیش از موج تازه انتقادات، درباره سفرهای خود در چارچوب بریکس گفته بود این رایزنی‌ها می‌تواند به زودی آثار خود را در زندگی مردم نشان دهد. او توضیح داده بود که بخشی از این دستاوردها به دلیل محرمانه بودن قابل اعلام نیست اما فعالان اقتصادی در حال تجربه کردن آثار آن هستند.

وزیر اقتصاد در همان مقطع از گشایش‌های مالی و ارزی در چارچوب بریکس، استفاده از ارزهای محلی و توسعه مسیرهای تجاری سخن گفته و تأکید کرده بود: «ما نمی‌خواهیم در یک رژیم تحریمی زندگی کنیم». به گفته او، دور کردن سایه تحریم‌ها از سر کشور یکی از اولویت‌های اصلی دولت است.

با این حال در مجلس روند دیگری در جریان است. ۴۷ امضا برای استیضاح وزیر اقتصاد جمع شده اما در میان منتقدان اقتصادی مجلس هم نمایندگانی مانند زندیان، با وجود انتقادهای جدی از عملکرد وزارت اقتصاد، هنوز استیضاح را امضا نکرده‌اند. بنابراین هنوز نمی‌توان از قطعی بودن تغییر وزیر اقتصاد سخن گفت؛ اما آنچه روشن است، تغییر فضای سیاسی پیرامون مدنی‌زاده است. وزیری که در هفته‌های گذشته از برنامه، هماهنگی تیم اقتصادی، کنترل تورم، تحریم‌شکنی و اصلاحات ساختاری سخن می‌گفت حالا باید در برابر نمایندگانی قرار بگیرد که معیار قضاوت‌شان نه تعداد پروژه‌ها و بسته‌های اقتصادی بلکه قیمت کالا، نرخ ارز و وضعیت سفره مردم است.

می‌دهد، بحث خروج از NPT تنها در سطحی فراتر از این بیانیه دنبال می‌شود؛ به‌ویژه آنکه علیرضا سلیمی و عباس گودرزی، دو عضو هیأت‌رئیس مجلس که نام‌شان در فهرست اعضای همین مجمع آمده، در روزهای اخیر درباره این موضوع، موضع گرفته‌اند. در کنار آنها مرتضی آقاآهرانی، محمود نوبیان، حمید رسایی، امیرحسین ثابتی، قاسم روانبخش، محمدتقی قدع‌علی، مالک شریعتی‌نیاسر، محمدمنان رئیسی، روح‌الله نجابت، روح‌الله ایزدخواه، فذاحسین پژمانفر، کامران غضنفری، زهره‌سادات لاجوردی، فذاحسین مالکی، محمدصالح جوکار، حسینعلی حاجی‌دلیگانی، مجتبی ذوالنوری، احمد راستینه و برخی دیگری از نمایندگان همسو با آنان نیز در فهرست، اعضای این مجمع قرار دارند.

سلیمی چند روز پیش در واکنش به قطعنامه شورای حکام گفته بود، خروج از NPT می‌تواند یکی از گزینه‌های ایران برای پاسخ باشد. او با انتقاد از عملکرد شورای حکام، مدعی شده بود، ایران با وجود عضویت در این پیمان از حقوق آن بهره‌مند نشده است. گودرزی، سخنگوی هیأت‌رئیس مجلس نیز خروج از NPT و حتی تجدیدنظر در دکتربین هسته‌ای را «کاملاً دست‌یافتنی» دانسته است.

به این ترتیب، آنچه فعلاً روی میز مجلس قرار دارد، ترکیبی از یک بیانیه سیاسی، مواضع تند برخی نمایندگان و اظهارنظرهایی درباره امکان خروج از NPT است؛ اما درباره تبدیل این مطالبه به یک فرآیند رسمی پارلمانی، دست‌کم براساس اظهارات دو عضو کمیسیون امنیت ملی، هنوز ابهام وجود دارد.

تعیین مسیر جدید هرمز

نشست وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس امروز برگزار می شود

گروه بین الملل: تنگه هرمز روز دوشنبه (۲۳ شهریور) بار دیگر به مرکز یک رایزنی مهم منطقه‌ای تبدیل می‌شود؛ جایی که نمایندگان ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در شهر ساحلی صلاله عمان گردهم می‌آیند تا درباره سازوکاری موقت برای عبور کشتی‌ها از این آبراه گفت‌وگو کنند. عربستان سعودی، امارات، قطر، کویت و عمان در این نشست حضور خواهند داشت اما بحرین که قرار بود در این جمع باشد از حضور انصراف داده و اعلام کرده تا زمانی که ایران در چنین نشستی حضور داشته باشد، در آن شرکت نمی‌کند.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور می‌گوید که در این نشست تفاهم ایران و عمان درباره تنگه هرمز نهایی می‌شود. براساس توافق تهران و مسقط، کشتی‌ها ابتدا از طریق آب‌های ایران وارد تنگه هرمز می‌شوند سپس عمدتاً از مسیر آب‌های عمان از این آبراه خارج خواهند شد. در این چارچوب یک مسیر میانی با «سامانه جداسازی ترافیک دریایی» (TSS) ایجاد می‌شود تا در مرحله نخست به‌عنوان راه‌حلی موقت برای عبور و مرور کشتی‌ها عمل کند.

پس از اجرای این ترتیبات، مذاکرات برای رسیدن به یک راه‌حل دائمی آغاز خواهد شد؛ مذاکراتی که موضوع هزینه خدمات دریایی را نیز دربر می‌گیرد. اهمیت این توافق از آنجا

ناشی می‌شود که تهران تلاش دارد با مطرح کردن این سازوکار در میان کشورهای عربی برای نظارت خود بر تنگه هرمز مشروعیت منطقه‌ای ایجاد کند، از فشار دیپلماتیک کشورهای عربی علیه محاصره دریایی آمریکا بر بنادر ایران بهره برد و به رسمیت شناختن حاکمیت خود بر مسیرهای محلی تردد دریایی را در سطح بین‌المللی تثبیت کند.

بسا این حال کشورهای عربی با احتیاط به این ابتکار نگاه می‌کنند. از یک‌سو، حملات و تهدیدهای امنیتی در جریان درگیری‌های گسترده‌تر منطقه‌ای، نگرانی‌های آنها را افزایش داده و از سوی دیگر ضرورت از سرگیری صادرات نفت و گاز از مسیر خلیج فارس حتی بازیگران محتاط را نیز به تعامل با تهران واداشته است. دیپلمات‌های عرب تأکید دارند که هرگونه سازوکار کشتیرانی باید صراحتاً موقت باشد تا به‌معنای تثبیت کنترل دائمی ایران بر آب‌های بین‌المللی یا تضعیف اصل آزادی کشتیرانی تعبیر نشود. در همین حال موضع بحرین نشان می‌دهد، اختلاف‌های درون جهان عرب همچنان پابرجاست. مخالفت منامه با تعامل رسمی تا زمان برقراری کامل روابط دیپلماتیک دو جانبه با ایران، نشانه‌ای از شکندگی و ناهماهنگی روند آشتی منطقه‌ای است.

خاورمیانه

برگ یمن

آیا ایران می‌تواند از یمن برای پیشبرد اهدافش استفاده کند؟

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

تحولات اخیر یمن و پیشروی سریع حوثی‌ها در امتداد ساحل دریای سرخ، تنها یک تحول نظامی در جنگ داخلی این کشور نیست؛ اتفاقی که اکنون در باب‌المندب در حال رخ دادن است، می‌تواند مستقیماً بر معادلات رویارویی ایران و آمریکا و حتی مسیر مذاکرات میان تهران و واشنگتن اثر بگذارد. تصرف یک شهر بندری مهم و جزیره میون در تنگه باب‌المندب از سوی حوثی‌ها در شرایطی رخ داده که همزمان تنش‌ها در تنگه هرمز نیز ادامه دارد. به این ترتیب دو گلوگاه مهم انرژی و تجارت جهانی همزمان در کانون بحران قرار گرفته‌اند. این حملات درحالی انجام می‌شود که دولت مورد حمایت ریاض در یمن، پیشروی حوثی‌ها در امتداد ساحل دریای سرخ را تحولی «دردناک» و گشوده شدن جبهه‌ای جدید در جنگ ایران توصیف کرده است.

خافلگیری ریاض

پیشروی سریع حوثی‌ها، ضربه‌ای جدی به دولت به رسمیت شناخته‌شده یمن و عربستان وارد کرده است؛ دو طرفی که طی سال‌های گذشته درگیر جنگی طولانی با این گروه بوده‌اند. این تحولات همچنین آتش‌بس سال ۲۰۲۲ را در معرض تهدید قرار داده و نگرانی‌ها از بازگشت جنگ داخلی گسترده در یمن را افزایش داده است. اهمیت نظامی این پیشروی اما فراتر از مرزهای یمن است. حوثی‌ها اکنون تنها حدود ۳۲ کیلومتر با پایگاه نظامی آمریکا در جیبوتی فاصله دارند؛ پایگاهی که یکی از مهم‌ترین مراکز نظامی واشنگتن در آفریقا محسوب می‌شود. جیبوتی همچنین میزبان پایگاه‌های نظامی چند کشور دیگر ازجمله چین، فرانسه و ژاپن است. در چنین شرایطی، باب‌المندب از یک گذرگاه تجاری به نقطه‌ای تبدیل شده که می‌تواند مستقیماً امنیت نظامی آمریکا و متحدانش را تحت‌تأثیر قرار دهد.

تنگه دوم

اهمیت اصلی ماجرا در پیوند میان باب‌المندب و هرمز است. تنگه هرمز مسیر اصلی انتقال نفت و گاز خلیج فارس به بازارهای جهانی است و باب‌المندب نیز مسیر حیاتی اتصال دریای سرخ به خلیج عدن و اقیانوس هند محسوب می‌شود. اختلال همزمان در این دو مسیر می‌تواند فشار سنگینی بر تجارت جهانی و بازار انرژی وارد کند. در سال‌های گذشته، دریای سرخ برای بخشی از تجارت جهانی



دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس برسد سپس این مجموعه برای سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) ارسال شود تا ثبت شده و در چارچوب سازوکارهای این سازمان قرار گیرد. عراقچی همچنین تصریح کرده که «دستورکار نشست کاملاً مشخص و محدود است» و نباید موضوعات دیگری به‌عنوان دستورکار رسمی آن تعریف شود. نکته کلیدی در سخنان عراقچی، تفکیک میان «مسیر جدید دریایی» و «بازگشایی هرمز» است. او صراحتاً گفته است، توافق با عمان «به‌هیچ‌وجه به‌معنای بازگشایی تنگه هرمز نیست». به گفته او بر اساس تفاهم تهران و مسقط، جزئیات و مشخصات

مسیرهای جدید ورود و خروج از تنگه تعیین شده است. عراقچی همچنین شرط ایران برای بازگشایی تنگه را روشن دانسته است: «اگر آمریکا به تعهداتی که خودش در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پذیرفته و امضا کرده، بازگردد و به آنها عمل کند، زمینه بازگشت وضعیت در تنگه هرمز به حالت عادی فراهم می‌شود». از این منظر، صلاله بیش از آنکه پایان بحران هرمز باشد، تلاشی برای مدیریت موقت آن است. رادحل پایدار همچنان به مذاکرات تهران و واشنگتن درباره تحریم‌ها، محاصره بنادر و تضمین‌های امنیتی گره خورده است. با این حال حضور ایران و کشورهای عربی در یک میز واحد نشان می‌دهد که حتی در اوج شکاف‌های ژئوپلیتیکی، ضرورت حفظ تجارت، انرژی و امنیت دریایی، گفت‌وگوی منطقه‌ای را به گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است.

دیپلماسی

دلیل ترور لاریجانی

رئیس اسبق ام‌آی‌۶ فاش کرد



جان ساورز، رئیس پیشین ام‌آی‌۶، سرویس جاسوسی بریتانیا در اظهاراتی جنجالی، اطلاعاتی را درباره هدف از ترور لاریجانی فاش کرد. او در مصاحبه‌ای با روزنامه فاینشال‌تایمز گفت، ایرانی‌ها با فشارهای اقتصادی «واقعاً» شددیدتر و فزاینده‌ای» روبه‌رو خواهند شد و افزود که محدودیت‌های طرف آمریکایی نیز بیش از آنکه اقتصادی باشد، سیاسی است. ساورز گفت: «فکر نمی‌کنم بنزین گالنی چهار دلار واقعاً برای آمریکایی‌ها مشکل بزرگی باشد. بنابراین به گمانم این وضعیت مدتی ادامه خواهد یافت». او با یادآوری «سابقه طولانی» آمریکا در کنار کشیدن از جنگ‌هایی که برایشان دردناک و پرهزینه بوده است، از ویتنام، لبنان در سال ۱۹۸۳، سومالی ۱۰ سال بعد و افغانستان در دوره ریاست‌جمهوری بایدن به‌عنوان مثال یاد کرد و گفت: «آمریکایی‌ها به ایستادگی و ادامه دادن جنگ‌های دشوار شهرت ندارند». وی اضافه کرد: «فکر می‌کنم، کشورهای منطقه سرانجام با ایران به‌نوعی سازش و شبویه همزیستی دست خواهند یافت اما هنوز زمان آن نرسیده است». جان ساورز که تا اواخر سال ۲۰۱۴ ریاست سرویس اطلاعاتی ام‌آی‌۶ بریتانیا را برعهده داشت، گفت: «تنها کسی که می‌توانست در مذاکرات نقشی محوری ایفا کند، علی لاریجانی بود اما اسرائیلی‌ها عمداً او را ترور کردند زیرا او را فردی می‌دانستند که می‌توانست به توافق صلحی مورد قبول هر دو طرف دست یابد و از این‌رو تهدیدی به‌شمار می‌رفت. بنابراین چشم‌انداز منطقه تا حدی نگران‌کننده است».

جان ساورز در میانه دهه ۲۰۰۰ زمانی که مدیر سیاسی وزارت امور خارجه بریتانیا بود، در مذاکرات هسته‌ای تروئیکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) با ایران حضور داشت. در طرف ایرانی نیز علی لاریجانی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ دبیر شورای‌عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران بود. ساورز در سال ۲۰۰۷ از این سمت به نیویورک رفت و نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل متحد شد. دو سال بعد، در سال ۲۰۰۹ ساورز از نیویورک به لندن بازگشت تا ریاست سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا، ام‌آی‌۶ را برعهده بگیرد؛ سمتی که به مدت پنج سال، یعنی تا سال ۲۰۱۴ در آن باقی ماند.

اهمیت نشست صلاله اما فقط به سازوکار دریایی محدود نمی‌شود. این نشست نخستین گردهمایی رسمی و مستقیم مقامات ارشد ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از زمان آغاز درگیری‌های نظامی در منطقه، حدود ۶ ماه پیش، محسوب می‌شود و از تمایل دو طرف برای گفت‌وگو و کاهش تنش حکایت دارد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در گفت‌وگو با «العربی الجدید» تأکید کرده که «مهم‌ترین و در واقع تنها دستورکار این نشست، موضوع مسیر جدید دریایی در تنگه هرمز است». او توضیح داده که در گفت‌وگوهای ایران و عمان درباره ایجاد این مسیر توافق شده، نقشه‌های مربوط به آن تهیه شده و بیانه مشترکی نیز تنظیم شده است. به گفته عراقچی قرار است جزئیات توافق، نقشه‌ها و بیانه مشترک به اطلاع

است. با وجود اعلام حوثی‌ها مبنی بر اینکه کشتیرانی تجاری دیگر هدف تهدید قرار ندارد، نگرانی بازارها کاهش نیافته و قیمت نفت بار دیگر افزایش یافته است. لارا روزن، خبرنگار آمریکایی نیز از افزایش قیمت سوخت در واشنگتن دی‌سی خبر داده و نوشته است، قیمت هر گالن بنزین به ۴.۵۹ دلار رسیده؛ درحالی که این رقم روز پنج‌شنبه ۴.۴۹ دلار و روز چهارشنبه ۴.۳۹ دلار بوده است. قیمت گازوئیل نیز به ۶.۱۹ دلار در هر گالن افزایش یافته است. این ارقام به‌تنهایی نمی‌تواند، نتیجه مستقیم تحولات یمن باشد اما در شرایطی که بازار جهانی همزمان با بحران‌های هرمز و باب‌المندب مواجه است، نشان می‌دهد که تحولات منطقه می‌تواند خیلی سریع به هزینه‌های اقتصادی در آمریکا و دیگر کشورهای مصرف‌کننده منتقل شود.

دوراهی واشنگتن

در چنین شرایطی، آمریکا با یک دوراهی دشوار روبه‌روست. گزینه نخست، افزایش فشار نظامی برای عقب راندن حوثی‌ها از مناطق راهبردی به‌ویژه جزیره میون است. اما چنین اقدامی می‌تواند، دامنه درگیری را گسترده‌تر کند و نیروها و تجهیزات آمریکایی را در معرض حملات فرسایشی قرار دهد. گزینه دوم حرکت به سمت کاهش تنش و تلاش برای گشودن مسیرهای دیپلماتیک است؛ مسیری که می‌تواند، مذاکرات با ایران را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد. اما مذاکره در شرایطی که یک نیروی همسو با تهران بر بخش مهمی از باب‌المندب مسلط شده برای واشنگتن به‌معنای ورود به گفت‌وگو با مجموعه‌ای از اهرم‌های فشار جدید خواهد بود. همین مسئله می‌تواند، برداشت ایران از توازن قدرت را تغییر دهد. اگر تهران به این نتیجه برسد که آمریکا برای جلوگیری از گسترش بحران در خاورمیانه و حفظ امنیت کشتیرانی بیش از گذشته به توافق نیاز دارد، طبیعی است که در بازگشت احتمالی به میز مذاکره، خواسته‌های بیشتری مطرح کند.

میز مذاکره تغییر می‌کند

تحولات یمن می‌تواند یک متغیر مهم در مذاکرات ایران و آمریکا ایجاد کند؛ مسئله امنیت کشتیرانی دیگر از پرونده هسته‌ای، تحریم‌ها و مسائل منطقه‌ای جدا نیست. ایران می‌تواند از نفوذ خود بر حوثی‌ها به‌عنوان یک اهرم غیرمستقیم استفاده کند و در مقابل، واشنگتن تلاش خواهد کرد میان حفظ امنیت مسیرهای دریایی و جلوگیری از یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر تعادل برقرار کند. به این ترتیب باب‌المندب ممکن است به بخشی از همان چانه‌زنی بزرگ‌تری تبدیل شود که هرمز نیز در مرکز آن قرار دارد. اگر هرمز اهرم فشار مستقیم ایران باشد، باب‌المندب می‌تواند اهرم فشار غیرمستقیم تهران باشد. در چنین شرایطی، تحولات یمن دیگر صرفاً یک بحران داخلی یا حتی یک جنگ منطقه‌ای نیست؛ بلکه به برگ تازه‌ای در بازی بزرگ ایران و آمریکا تبدیل شده است؛ برگی که می‌تواند هزینه‌های ادامه تقابل را برای واشنگتن افزایش و محاسبات تهران را پیش از هر مذاکره جدیدی تغییر دهد.



گزارش: سینمای ایران

جایزه ایتالیایی

لاله مرزبان برنده ایرانی جشنواره ونیز ۲۰۲۶

لاله مرزبان، بازیگر فیلم «مراقب» ساخته محسن قریایی، جایزه بهترین بازیگر زن بخش «افقاها» در جشنواره ونیز را به‌دست آورد. البته او اولین بازیگر ایرانی نیست که موفق به دریافت چنین جایزه‌ای می‌شود. پیش از او، محسن تائبنده و نوید محمدزاده نیز جایزه بهترین بازیگر بخش «افقاها» جشنواره ونیز را کسب کرده بودند. فیلم جنجالی و خبرساز «مراقب» ساخته محسن قریایی که با وجود اخذ مجوز اما در شرایط زیرزمینی و با عبور از خطوط قرمز موجود در راه ساخت آثار نمایشی ساخته شد، در بخش «افقاها» جشنواره ونیز به‌نمایش درآمد و در مراسم اختتامیه این جشنواره، توانست برای دریافت جایزه روی استیج نماینده‌ای داشته باشد. لاله مرزبان، بازیگر ۳۲ ساله که پیش از آن در فیلم‌های «بی‌همه چیز» ساخته محسن قریایی، «هیس»، دخترا فریاد نمی‌زنند» و «زیر سقف دودی» ساخته پوران درخشنده، «به وقت شام» ابراهیم حاتمی کیا و «نگهبان شب» ساخته رضا میرکریمی بازی کرده بود، در فیلم «مراقب» در نقش دختر جوانی بنام انسی بازی می‌کند.

او فرزند یک زندانیان است و به‌همراه خانواده‌اش در خانه‌ای در حومه شهر زندگی می‌کند. خانه‌ای که قرار است در یک پروژه نوسازی و توسعه شهری تخریب شود. انسی با بازی لاله مرزبان دور از چشم پدر و مخفیانه حرفه مدلینگ را دنبال کرده و حالا شرایطی برایش مهیا شده تا از ایران برود. ماجرای که باعث خشم پدرش رشید می‌شود. علاوه بر مرزبان در این فیلم، فرهاد اصلانی و ریما رامین‌فر هم به ایفای نقش پرداخته‌اند. لاله مرزبان به‌خاطر ایفای این نقش توانست شنبه‌شب جایزه بهترین بازیگر زن بخش «افقاها» را بگیرد. ریکاردو اسکارماجو نیز برای بازی در فیلم «فرزندان میمون» جایزه بهترین بازیگر مرد بخش «افقاها» را گرفت.

بخش «افقاها» یکی از مهم‌ترین، معتبرترین و پویاترین بخش‌های رسمی جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز است. این بخش در کنار بخش مسابقه اصلی یا همان رقابت برای شیرطلایی برگزار می‌شود و تمرکز بر معرفی آثار نوآورانه، زیبایی‌شناسی مدرن و استعدادهای نوظهور است. علاوه بر بازیگری در این بخش، جوایزی به بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، جایزه ویژه هیأت داوران، بهترین فیلم‌نامه و بهترین فیلم کوتاه تعلق می‌گیرد. طی سال‌های اخیر، این بخش از جشنواره ونیز محلی برای حضور فیلم‌های ایرانی هم بوده است. دو فیلم «بدون تاریخ و بدون امضا» ساخته وحید جلیلی در سال ۲۰۱۷ و «جنگ جهانی سوم» ساخته هومن سیدی در سال ۲۰۲۲ موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم در بخش «افقاها» شدند.



جایزه بهترین بازیگر مرد و زن بخش «افقاها» در جشنواره ونیز، یکی از جوایز معتبر و رسمی جشنواره ونیز است. این جایزه به‌طور ویژه به بازیگرانی اهدا می‌شود که در فیلم‌های نوآورانه، تجربی و خارج از چارچوب‌های سنتی سینما، نقش‌آفرینی‌های موفق داشته‌اند. در این بخش برخلاف برخی از جشنواره‌ها مانند جشنواره برلین که تفکیک جنسیتی را از جوایز برداشته‌اند، کماکان در بازیگری جایزه را به بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن اهدا می‌کند. هرچند جایزه اصلی بازیگری در

جشنواره ونیز، همان شیرطلایی یا جام ولی است که به بهترین بازیگر در بخش مسابقه اصلی تعلق می‌گیرد. با این‌وجود، جایزه بازیگری بخش «افقاها» معمولاً سکوی پرتاب بازیگران مستعد و کمتر شناخته‌شده در عرصه بین‌المللی است. جایزه بهترین بازیگر بخش «افقاها» نیز به بازیگرانی تعلق می‌گیرد که در فیلم‌های مستقل، هنری و آوانگارد بازی کرده‌اند. معیارهای داوران در این بخش بیشتر بر پایه تجربه‌گرایی کار بازیگر است. از همین‌رو، لیست برندگان جایزه بهترین بازیگر بخش «افقاها» نه با ستارگان سرشناس جهان سینما که با مجموعه‌ای از بازیگران گمنام فیلم‌های مستقل پر شده است. در جشنواره ونیز سال ۲۰۱۷ و در بخش «افقاها» نوید محمدزاده به‌خاطر بازی در فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد این بخش شد. در سال ۲۰۲۲ نیز محسن تائبنده به‌خاطر بازی در فیلم «جنگ جهانی سوم» توانست این جایزه را از جشنواره ونیز به‌دست بیاورد. لاله مرزبان، سومین بازیگر ایرانی است که موفق به دریافت این جایزه شده است.

با این‌وجود، بازیگران ایرانی دیگری هستند که طی سال‌های گذشته جوایز مهم‌تری را نیز از جشنواره معتبر سینمایی گرفته‌اند. شهاب حسینی در سال ۲۰۱۶ به‌خاطر بازی در فیلم «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی جایزه نخل طلای کن را به‌دست آورد که تا امروز مهم‌ترین جایزه‌ای است که یک بازیگر ایرانی در عرصه بین‌المللی کسب کرده است. هشت سال قبل از آن و در سال ۲۰۰۶ رضا ناجی به‌خاطر بازی در فیلم «آواز گنجشک‌ها» ساخته مجید مجیدی توانسته بود جایزه خرس طلایی جشنواره برلین را کسب کند. ناجی در سالی مهم‌ترین جایزه بازیگری برلین را گرفت که دنیل دی‌لویز، بازیگر بزرگ سینمای جهان، با فیلم «خون به‌پا خواهد شد»، ویلم دافو با «خاکستر زمان»، بن کینگزلی با «مرثیه» و شاهرخ‌خان با یکی از موفق‌ترین فیلم‌هایش «اوم شانتی اوم» نیز در این جشنواره حضور داشتند. در سال ۲۰۱۶ نیز آدام درابور با فیلم «پترسون» و دیو جانز با «من دنیل بلیک هستم» ساخته فیلم‌ساز بزرگ انگلیسی کن لوچ، در کن حضور داشتند و در نهایت جایزه به شهاب حسینی رسید.



این کارخانه، نگارنی‌هایی را دربارهٔ تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنعت چاپ و نشر ایجاد کرد، اما با تلاش صنعت‌گران این حوزه، بخش زیادی از مشکلات و آسیب‌ها در حال رفع است. تصویر این خسارت‌ها، در مجموع، از آسیب به یک مجموعه پراکنده حکایت ندارد؛ حلقه‌های مختلف زنجیره کتاب و نشر، از تولید مواد اولیه تا دسترسی مخاطب به کتاب، در نقاط مختلف کشور با پیامدهای جنگ روبه‌رو شده‌اند. شیشه شکسته یک کتاب‌فروشی یا سقف فروریخته یک سالن مطالعه، تنها نشانه‌ای از یک خسارت ساختمانی نیست. پشت هر یک از این آسیب‌ها، کتاب و آثاری قرار دارند که از دسترس خارج شده‌اند، فعالیت‌هایی که متوقف مانده‌اند و افرادی که محل کار یا امکان ادامه فعالیت خود را از دست داده‌اند. اما این روزها در کنار بازسازی ساختمان‌ها و تجهیزات، بازگرداندن این مراکز به چرخهٔ فعالیت نیز اهمیت دارد؛ چرخه‌ای که توقف آن، در نهایت به کاهش دسترسی جامعه به کتاب، دانش و فعالیت‌های فرهنگی منجر می‌شود، اما دولت تلاش دارد با نگاه ویژه به این مراکز و همت جهادی مردم، بار دیگر دسترسی به مراکز فرهنگی و صنعتی را در قالب‌های مختلف تسهیل کند.



محمد مهدی عسگریور



سعید رسول‌اف



محمدحسین میرطاووسی



علی سرتیپی



محمدجواد شکوری مقدم

پیدا کرد. او در یادداشت خود مجموعه‌ای از اهدافی را که به گفته خودش فعالان این صنعت دنبال کرده‌اند، برشمرده است؛ از رونق تولید محتوای داخلی و کاهش وابستگی مخاطبان به شبکه‌های ماهواره‌ای گرفته تا افزایش ترافیک داخلی، احیای استودیوهای دوبله و ایجاد فرصت‌های شغلی برای هنرمندان. با این‌حال، صراف معتقد است در برابر این تلاش‌ها، ساترا و صداوسیما رویکرد مناسبی نسبت به این صنعت نداشته‌اند.

سوالات مهم

آنچه از نامه انجمن صنفی به رئیس‌جمهور و یادداشت محمد صراف خطاب به رئیس صداوسیما به‌دست می‌آید، فقط اعتراض به توقیف دو برنامه نیست. مسئله‌ای که این‌بار مطرح شده، به آینده رابطه میان یک صنعت در حال گسترش و نهادهای برمی‌گردد که خود را متولی تنظیم مقررات این حوزه می‌دانند. پلتفرم‌ها امروز دیگر همان سرویس‌های کوچکی نیستند که سال‌های نخست فعالیت وی‌اودی در ایران بودند. سرمایه‌های قابل‌توجهی وارد این صنعت شده، تعداد زیادی از تولیدکنندگان، بازیگران، نویسندگان، کارگردانان، عوامل فنی و دیگر فعالان فرهنگی و اقتصادی به آن وابسته شده‌اند و بخش قابل‌توجهی از مخاطبان نیز تماشای فیلم و سریال را از طریق همین پلتفرم‌ها دنبال می‌کنند. به همین دلیل، هر تصمیم درباره مجوز، توقف تولید یا جلوگیری از پخش یک اثر، فقط سرنوشت یک برنامه یا سریال را تعیین نمی‌کند و می‌تواند بر زنجیره‌ای از سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال اثر بگذارد. باید دید آیا رئیس‌جمهور در روزهای پریشانه‌اش می‌تواند به‌عنوان رئیس دولت و رئیس شورای عالی فرهنگی این چالش را برای پلتفرم‌ها حل کند؟

روایتی ۱۵ ساله
محمد صراف، نایب‌رئیس انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئویی برخط نیز در یادداشتی خطاب به پیمان جبلی، رئیس صداوسیما، روایت خود از مسیر شکل‌گیری این صنعت و مشکلات آن را مطرح کرده است؛ روایتی که نشان می‌دهد اختلاف میان این دو طرف، دست‌کم از نگاه فعالان پلتفرم‌ها، سابقه‌ای طولانی‌تر از ماجرای توقیف «شفرونی» و «روشن» دارد. به روایت صراف، آغاز فعالیت سرویس‌های نمایش آنلاین در ایران از همان ابتدا با مشکلات مختلفی همراه بوده است. او از برخورد‌های قانونی سپس ورود صداوسیما به حوزه خدمات آی‌پی‌تی‌وی نوشته و معتقد است قراردادهای سنگین و تعهدات دشوار موجب شد شرکت‌هایی که در مزایده مجوز آی‌پی‌تی‌وی را دریافت کرده بودند، نتوانند به اهداف خود برسند. پس از آن، به گفته او، شورای صدور مجوز در وزارت ارشاد شکل گرفت و سرویس‌های وی‌اودی برای نخستین‌بار متولی مشخصی پیدا کردند؛ اما این مجوزها نیز توانست تمام اختلافات و مشکلات موجود میان این سرویس‌ها و بخش‌های مختلف حاکمیت را حل کند. در ادامه همین مسیر بود که انجمن صنفی شرکت‌های وی‌اودی شکل گرفت؛ اقدامی که صراف آن را تلاشی برای استفاده از ظرفیت قانونی انجمن‌های صنفی برای حل مشکلات صنعت توصیف کرده است. در این روایت، صنعت وی‌اودی دیگر یک کسب‌وکار کوچک و محدود نبوده است. او از چند دهه‌زار شغل مستقیم و غیرمستقیم سخن گفته و دوران شیوع کرونا را یکی از مقاطع مهم فعالیت این پلتفرم‌ها دانسته است؛ دوره‌ای که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، مصرف محتوای آنلاین افزایش

پلتفرم‌ها و ساترا فراتر از مسئله صدور مجوز است. انجمن صنفی از آنچه غلبه رویکرد سلبی و قضایی بر رویکرد فرهنگی و تعاملی در مواجهه با هنرمندان و آثار می‌خواند، انتقاد کرده است. در این نامه به استفاده ساترا از عباراتی مانند «سیاه‌نامه‌ای»، «خشونت» و «ابتذال» درباره برخی آثار و هنرمندان و همچنین آنچه «هجمه‌های برنامه‌ریزی‌شده شبه‌رسانه‌ای» و ارجاع اختلافات به مراجع قضایی عنوان شده، اشاره شده است. اعضای انجمن معتقدند نهاد تنظیم‌گر به‌جای گفت‌وگو، اصلاح، تعامل حرفه‌ای و حل مسئله در سازوکارهای فرهنگی، نباید به مسیر شکایت، حذف و تعطیلی تولیدات و پلتفرم‌ها برسد. آنها در همین چارچوب تأکید کرده‌اند که تنظیم‌گری عرصه فرهنگ باید در اختیار نهادهای پاسخگو و متولی فرهنگ باشد و در نامه خود، حضور صداوسیما به‌عنوان رقیب این صنعت در جایگاه تنظیم‌گر را محل پرسش دانسته‌اند. با این‌حال، نامه انجمن تأکید دارد که خواسته پلتفرم‌ها حذف نظارت نیست. در متن نامه آمده است که مطالبه آنها «نظارتی ضابطه‌مند، شفاف، پاسخگو، فرهنگی و قابل پیش‌بینی» است. انجمن صنفی در پایان نامه خود از رئیس‌جمهور خواسته است دستور برگزاری جلسه‌ای فوری با نمایندگان صنف را صادر کند تا پنج موضوع بررسی شود؛ تعیین مهلت و زمان‌بندی روشن و الزام‌آور برای بررسی درخواست‌ها و پاسخگویی به آنها، ارائه پاسخ‌مکتوب و مستند به درخواست‌ها، ایجاد سازوکاری روشن برای اعتراض و تجدیدنظر، فراهم کردن امکان گفت‌وگو و حل اختلاف پیش از ارجاع پرونده‌ها به مراجع قضایی و در نهایت بررسی آثار اقتصادی، فرهنگی و اشتغالی بالاتکلیف ماندن پروژه‌ها در ساترا.

اهمیت مریم

مریم میرزاخانی روی جلد کتاب ریاضی ایتالیا

گروه اجتماعی: تصویری از جلد یک کساب ریاضی ایتالیایی در روزهای اخیر در صفحات فارسی‌زبان شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شده؛ تصویری که در نگاه اول، یک زن با موهای کوتاه را مقابل تخته‌ای پر از فرمول‌های ریاضی نشان می‌دهد و شباهت چهره او با مریم میرزاخانی، ریاضیدان فقید ایرانی، به‌اندازه‌ای است که خیلی زود این روایت شکل گرفت: «تصویر مریم میرزاخانی روی جلد کتاب ریاضی دانش‌آموزان ایتالیایی رفته است». اما پشت این تصویر، ماجرابی دقیق‌تر وجود دارد؛ کتاب واقعی است، تصویر روی جلد نیز واقعاً در نسخه‌های این مجموعه دیده می‌شود اما بخشی از روایت منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نیاز به اصلاح و احتیاط دارد.

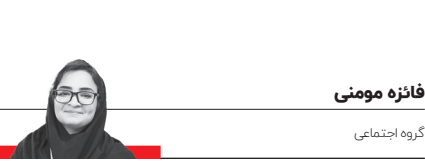
کتاب واقعی است اما روایت‌ها یکسان نیستند

کتابی که تصویر آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، ساختگی نیست. مجموعه «I Mondi di GEA» یک مجموعه آموزشی واقعی برای پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی ایتالیاست که توسط Fab- bri Editori در مجموعه آموزشی Rizzoli و با همکاری Erickson منتشر شده است. نسخه‌ای که در تصویر مورد بحث قرار گرفته، مربوط به چاپ سال ۲۰۲۵ است. روی جلد، در کنار شخصیت کارتون‌ی اصلی، زنی با موهای کوتاه مقابل تخته‌ای پر از فرمول دیده می‌شود؛ تصویری که شباهت قابل‌توجهی به مریم میرزاخانی دارد.

شهر

رایگان‌سازی با جیب خالی

تمدید متروی رایگان در تهران؛ با هشدار درباره کمبود منابع، حقوق و تعمیرات



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

در تهران، مسافر مترو و اتوبوس فعلاً لازم نیست برای سفر درون‌شهری بلیت بخرد اما این به‌معنای رایگان شدن هزینه حمل‌ونقل نیست. هزینه همچنان وجود دارد؛ فقط محل پرداخت آن تغییر کرده است. حالا در شورای شهر تهران این پرسش مطرح است که وقتی درآمد حاصل از بلیت حذف می‌شود، آیا شهرداری منابع دیگری را به همان اندازه جایگزین کرده است یا نه؟ این پرسش در جلسه شورای شهر زمانی جدی‌تر شد که اعضای شورا از مشکلات مالی شرکت‌های مترو و اتوبوسرانی گفتند؛ از پرداخت نشدن حقوق برخی نیروها تا مشکل تأمین قطعات و تعمیرات. هم‌زمان طرح رایگان ماندن حمل‌ونقل عمومی بار دیگر تمدید شد. سیدجعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران، در جلسه شورا گفت منابع شهرداری محدود است و اگر درآمد بلیت از یک طرف حذف شود، هزینه آن باید از محل دیگری تأمین شود. او هشدار داد که ادامه این وضعیت، بدون تأمین منابع جایگزین، می‌تواند مترو و اتوبوسرانی را با مشکل مواجه کند. ماجرا از اسفند سال گذشته آغاز شد؛ زمانی که هم‌زمان با شروع جنگ و شرایط اضطراری، استفاده از مترو و اتوبوس‌های تندرو در تهران رایگان شد. تصمیمی که ابتدا قرار بود در شرایط ویژه اجرا شود با گذشت ماه‌ها به یکی از موضوعات اختلافی در شورای شهر تبدیل شده است. اکنون بحث دیگر فقط بر سر چند هزار تومان کرایه سفر نیست. سوال اصلی این است که هزینه واقعی این تصمیم از کجا تأمین می‌شود.

دو روایت از یک تصمیم

مدافعان رایگان شدن حمل‌ونقل عمومی می‌گویند، مترو و اتوبوس خدمتی عمومی است و هزینه آن باید مانند بسیاری از خدمات شهری از منابع عمومی تأمین شود. حجت‌الاسلام سیدمحمد آقامیری، رئیس کمیته عمران و زیرساخت شورای شهر تهران، در جلسه شورا گفت، اتوبوس و واگن مترو با منابعی خریداری شده‌اند که از عوارض شهروندان تأمین می‌شود و ارائه این خدمات بدون دریافت کرایه را نمی‌توان اقدامی سیاسی یا منت گذاشتن بر مردم دانست. در مقابل، مخالفان می‌گویند مسئله اصلی نه اصل حمایت از شهروندان بلکه شیوه تأمین هزینه آن است. تشکری‌هاشمی می‌گوید، عدالت الزاماً به‌معنای مساوی کردن خدمات برای همه نیست. به گفته او گروه‌هایی مانند دانش‌آموزان، دانشجویان، سربازان، سالمندان بالای

همین شباهت، مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری ادعای انتشار تصویر او در کتاب‌های آموزشی ایتالیا بوده است. با این حال، بررسی اطلاعات مربوط به کتاب نشان می‌دهد برای نسبت دادن قطعی این تصویر به میرزاخانی، سند رسمی در دست نیست. در مشخصات کتاب، معرفی مجموعه یا اسناد بررسی شده مرتبط با مدارس ایتالیا، نامی از مریم میرزاخانی به‌عنوان صاحب‌تصویر یا فردی که ناشر برای بزرگداشت او تصویرش را روی جلد قرار داده، دیده نمی‌شود. از سوی دیگر نمی‌توان تنها براساس نبود نام میرزاخانی نتیجه گرفت که تصویر قطعاً متعلق به فرد دیگری است. مسئله اصلی این است که «شباهت چهره» با «اثبات هویت» یکسان نیست.

ردپای تصویر به یک چاپ تازه محدود نمی‌شود

بررسی نسخه‌های قدیمی‌تر کتاب نکته مهم دیگری را آشکار می‌کند. تصویری که اکنون در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان تصویر مریم میرزاخانی معرفی می‌شود، تنها در چاپ ۲۰۲۵ ظاهر نشده است. پیش از مجموعه فعلی «I Mondi di GEA»، نسخه‌ای با عنوان «GEA - Sussidiario delle discipline» منتشر شده بود که روی جلد نسخه سال ۲۰۲۴ نیز همین تصویر زن در کنار تخته ریاضی دیده می‌شود؛ اگرچه طراحی جلد و عنوان کتاب با نسخه جدید تفاوت دارد. در سال ۲۰۲۶ نیز نسل تازه‌ای از این مجموعه با عنوان «I Mondi di GEA con»



«ParlPasso» منتشر شده است. بنابراین دست‌کم می‌توان گفت تصویر مورد بحث از سال ۲۰۲۴ در طراحی کتاب‌های GEA حضور داشته و تصویری نیست که به‌تازگی و برای انتشار یک خبر درباره مریم میرزاخانی به جلد کتاب اضافه شده باشد.

کتاب همه دانش‌آموزان ایتالیا نیست

بخش دیگری از روایت منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نیز نیازمند اصلاح است. این کتاب را نمی‌توان به‌معنای دقیق کلمه «کتاب ریاضی همه دانش‌آموزان ایتالیا» دانست. مجموعه مورد بحث توسط ناشر ایتالیایی Rizzoli Education منتشر شده و شامل کتاب درسی و کتاب حل تمرین است. اما ساختار نظام آموزشی ایتالیا با آنچه در برخی روایت‌های فارسی‌زبان تصور شده، تفاوت دارد. در این کشور، وزارت آموزش‌وپرورش چارچوب و برنامه درسی را تعیین می‌کند اما الزاماً یک کتاب مشخص و واحد برای همه مدارس کشور ارائه نمی‌شود. ناشران مختلف براساس برنامه و بودجه‌بندی آموزشی، کتاب‌های متناسب با پایه‌های

فعال دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی هر تصمیمی که منابع قابل دسترس این دو شبکه را کاهش دهد، می‌تواند این پرسش را ایجاد کند که اولویت مدیریت شهری چیست: کاهش هزینه سفر یا افزایش کیفیت سفر؟

تشکری‌هاشمی می‌گوید، منابع باید به سمت خرید واگن و اتوبوس، تعمیرات و ارتقای کیفیت خدمات برود. استدلال او این است که اگر حمل‌ونقل عمومی قرار است، شهروندان را از خودرو شخصی دور کند باید ابتدا به اندازه‌ای قابل اعتماد باشد که شهروندان انتخاب دیگری نداشته باشند. این مسئله با افزایش قیمت سوخت اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اگر هزینه استفاده از خودرو افزایش پیدا کند اما حمل‌ونقل عمومی همچنان با کمبود ناوگان و تأخیر روبه‌رو باشد، فشار بیشتری بر شهروندان وارد خواهد شد.

رایگان ماندن، تا کجا؟

در شورا درباره مدت ادامه این سیاست نیز اختلاف‌نظر وجود دارد. طبق مصوبه شورا، خدمات مترو و اتوبوس تسدرو تا پایان مهرماه ۱۴۰۵ می‌تواند به‌صورت رایگان ارائه شود و پس از آن ارائه رایگان خدمات باید متوقف شود؛ مگر در چارچوب تخفیف‌ها و معافیت‌های مصوب. با این حال، طرح رایگان ماندن حمل‌ونقل بار دیگر در شورا مطرح شد و اعضا درباره تمدید آن بحث کردند. پیشنهاد مطرح شده این بود که این وضعیت برای مدتی دیگر ادامه پیدا کند و در این فاصله گروه‌هایی که نیازمند حمایت هستند، شناسایی شوند. به این ترتیب اختلاف اصلی میان دو نگاه شکل گرفته است. یک نگاه می‌گوید، حمل‌ونقل عمومی اساساً خدمتی عمومی است و باید امکان استفاده رایگان از آن برای همه فراهم باشد. نگاه دیگر می‌گوید، منابع شهری محدود است و اگر حمایت قرار است انجام شود، بهتر است هدفمند باشد تا پولی که اکنون از بلیت به دست می‌آید، صرف توسعه شبکه شود. در همین جلسه مهدی اقراریان، عضو شورای شهر نیز خواستار روشن شدن میزان منابعی شد که شهرداری در این مدت به شرکت‌های مترو و اتوبوسرانی پرداخت کرده است. سوال او این بود که اگر درآمد بلیت حذف شده، آیا منابع از دست رفته به همان میزان جبران شده است یا نه؟

یک انتخاب با هزینه واقعی

میان این دو دیدگاه یک پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده است: اگر درآمد بلیت حذف شده، منابع جایگزین دقیقاً کجاست؟ برای مسافری که هر روز صبح در ایستگاه مترو منتظر قطار می‌ایستد، پاسخ این سوال شاید در قالب یک ردیف بودجه دیده نشود. او نتیجه را در فاصله حرکت قطار، تعداد واگن‌ها، خرابی پله‌برقی، شلوغی سکو و زمان انتظار خواهد دید. حمل‌ونقل عمومی ممکن است روی کاغذ رایگان باشد اما اداره آن همچنان هزینه دارد. مسئله تهران اکنون این نیست که چه کسی بلیت نمی‌پردازد؛ مسئله این است که چه کسی هزینه واقعی این تصمیم را می‌پردازد و آیا این هزینه در نهایت به بهتر شدن حمل‌ونقل عمومی منجر می‌شود یا نه؟!

تحصیلی تولید سپس مدارس و معلمان از میان کتاب‌های تأیید شده، گزینه مناسب را انتخاب می‌کنند. به همین دلیل ممکن است، دانش‌آموز پایه پنجم در رم از یک کتاب استفاده کند و دانش‌آموز دیگری در میلان کتاب متفاوتی داشته باشد. حتی در یک شهر نیز انتخاب کتاب می‌تواند میان مدارس متفاوت باشد. در نتیجه، اگرچه حضور این تصویر روی جلد یک کتاب آموزشی ایتالیایی اتفاقی قابل‌توجه است اما نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که تمام دانش‌آموزان ایتالیا این کتاب را می‌خوانند یا تصویر میرزاخانی به شکل رسمی در کتاب درسی ملی ایتالیا قرار گرفته است.

پایه چهارم یا پنجم؛ تصویر در هر دو دیده شده است

روایت دیگری که در برخی پازنشرها دیده شده، استفاده از تصویر میرزاخانی تنها در کتاب پایه چهارم دبستان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این تصویر به یک پایه محدود نیست و در کتاب مربوط به پایه پنجم نیز دیده می‌شود. همچنین این مجموعه، برخلاف تصور رایج درباره کتاب‌های درسی دولتی، محصول یک ناشر آموزشی است که مطابق چارچوب آموزشی کشور، کتاب تولید می‌کند. بنابراین جایگاه این کتاب در نظام آموزشی ایتالیا باید در همین چارچوب سنجیده شود. آنچه تاکنون می‌توان با اطمینان بیشتری گفت این است که یک مجموعه آموزشی واقعی ایتالیایی، منتشرشده توسط Rizzoli Education، از تصویری استفاده کرده که از نظر بصری شباهت قابل‌توجهی به مریم میرزاخانی دارد و این تصویر دست‌کم در نسخه‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ این مجموعه دیده می‌شود. اما اینکه این زن واقعاً مریم میرزاخانی است یا ناشر با هدف بزرگداشت او از تصویرش استفاده کرده هنوز با سند رسمی تأیید نشده است.

جامعه

به حاشیه رانده شده

سکونتگاه غیررسمی، پاسخ اجباری

به ناتوانی از تأمین مسکن است

سکونتگاه غیررسمی را نمی‌توان فقط با یک کلمه توضیح داد: فقر. پشت خانه‌هایی که خارج از ضوابط رسمی شهر ساخته شده‌اند، داستان پیچیده‌تری جریان دارد؛ داستان بازاری که برای یک «خانوار متوسط» قانون و استاندارد نوشته اما برای کسانی که درآمدشان از این متوسط پائین‌تر است، گزینه چندان‌ای باقی نگذاشته است.

محمود اولاد در نشست «سکونتگاه‌های غیررسمی؛ مسئله یا راه‌حل» به همین نقطه اشاره کرد. به روایت او زمانی خانواده‌ها متناسب با توان اقتصادی خود خانه می‌ساختند؛ ممکن بود زندگی با یک اتاق آغاز شود و با افزایش درآمد، خانه هم به‌تدریج بزرگ‌تر شود. اما با رشد شهرها و افزایش استانداردهای ایمنی، بهداشت و خدمات، مسکن رسمی گران‌تر و دسترسی به آن دشوارتر شد. در این میان خانواری که توان خرید یا اجاره خانه رسمی را ندارد، نیازش به سرپناه از بین نمی‌رود؛ فقط به‌جای دیگر رانده می‌شود: زمین ارزان‌تر، ساخت‌وساز بدون مجوز و در نهایت سکونتگاه غیررسمی. این انتخاب البته همیشه انتخاب آزادانه نیست؛ انتخابی است از سر ناچاری. خانواده‌ای که میان اجاره‌نشینی پر هزینه و ساختن خانه‌ای خارج از بازار رسمی گرفتار شده ممکن است دومی را انتخاب کند؛ حتی اگر بدانند در آینده با خطر تخریب، مشکلات حقوقی یا کمبود خدمات روبه‌رو خواهد شد. اما مسئله فقط خود خانه نیست. سلمی قاضی، شهرساز، در همین نشست یادآوری کرد که کیفیت سکونت را نمی‌توان به چهار دیوار تقلیل داد. شغل، حمل‌ونقل، مدرسه، درمان و شبکه اجتماعی هم بخشی از خانه‌اند. انتقال خانواده‌ای به خانه‌ای بهتر، اگر به قیمت از دست رفتن شغل یا افزایش هزینه رفت‌وآمد تمام شود الزاماً به‌معنای بهتر شدن زندگی نیست. حتی نوسازی نیز همیشه نجات‌بخش نیست. خانه‌ای در محله‌ای فرسوده ممکن است با آبارتمانی نوساز جایگزین شود اما شارژ، نگهداری و هزینه‌های زندگی در ساختمان جدید برای همان خانوار غیرقابل پرداخت باشد. آن وقت خانواده، خانه نوساز را می‌فروشد و دوباره به محله‌ای ارزان‌تر برمی‌گردد. ساختمان بهتر شده اما زندگی نه. از همین جا باید سیاست مسکن را دوباره تعریف کرد. مسئله فقط این نیست که مردم را آنقدر توانمند کنیم تا بتوانند قیمت‌های بازار را بپردازند؛ خود مسکن نیز باید با توان واقعی خانوار متناسب شود. البته متناسب‌سازی به‌معنای پائین آوردن استانداردهای ایمنی نیست. اگر ساخت خانه ایمن، هزینه‌ای دارد که خانوار از عهده آن برنمی‌آید، دولت باید بخشی از این هزینه را بپذیرد.

